



مدیریت اثربخش

سایه مدیریت

● دکتر عبدالعظیم کریمی

دانشیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

کلیدواژه‌ها: خودمدیریتی، خودنظارتی، قدرت مدیریت

پایش تکالیف خود، اگر بیشتر از معلم نباشد، کمتر از او نیست، زیرا فریره نقش شاگرد و معلم را هم وزن می‌داند و معتقد است هر دو مسئول جریانی هستند که با هم در آن رشد می‌کنند (۱۹۷۲). او به جای مدرسه، که مفهومی سنتی و منفعل است، از حلقه یا محفل فرهنگی یاد می‌کند، به جای معلم، هماهنگ‌کننده، به جای سخنرانی، گفت و شنود، و به جای دانش‌آموزان از اعضای گروه استفاده می‌کند (فریره، ۱۹۹۸).

هر قدر فرایند بی‌نیاز شدن شاگردان از وجود مدیر و معلم بیشتر شود، حضور وجودی مدیر و معلم و نفوذ قلبی آن‌ها بر شاگردان بیشتر می‌شود. این بی‌نیازی از حضور ظاهری مدیران و معلمان به قدری کم و کمتر می‌شود که بالاخره هوشمندانه نامرئی می‌شوند تا دانش‌آموزان به اتکای خود، فرایند خودآموزی، خودنظارتی، خودگردانی و خودرهبری را طی کنند. اگر مدیران بتوانند به چنین اهدافی دست یابند، آنگاه رسالت مدیریتی خود را به زیباترین وجه انجام داده‌اند.

منابع

1. Feriere, Paulo and Donald Mucedo (1987): Learning to Questioner: a Pedagogy of Liberation Newyourk, continuum
2. Gute.G (2005) Historical and Philosophical foundations of Education: 4Th pearson Publication
۳. فریره، پائولو (۱۹۷۲)، آموزش ستم‌دیدگان، ترجمه احمد بیرشک و سیفاله داد (۱۳۵۹)، خوارزمی.
۴. گوتک، جرالسد. ال (۱۹۷۷)، مکاتیب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت (۱۳۸۰)، آگاه.

قدرت مدیریت در ضعف آن است و نفوذ معنوی مدیران در حضور فیزیکی نداشتن آن‌هاست!

شاید در وهله نخست این عنوان نامأنوس با گزاره‌ها و گفتارهای معمول درباره نقش مدیران موجود موجب ذهن‌آشوبی و واپاشی طرز نگاه و تفکر ما نسبت به جایگاه مدیریت در آموزش شود. ولی این پرسش پرچالش مطرح شود که چگونه ممکن است قدرت مدیریت در ضعف آن باشد؟ آیا مراد از عبارت تناقض‌آلود و مفاهیم‌ساز با سازه‌های معمول این است که به جای تقویت قدرت مدیران در مدرسه، به دنبال گزینش افراد ضعیف و ناتوان باشیم؟ به‌راستی مقصود از قدرت و ضعف مدیریت چیست؟ چگونه ممکن است قدرت مدیریت در ضعف آن باشد؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در نظریه پائولو فریره، نظریه پرداز بزرگ آموزش و پرورش، به خوبی دریافت. آنجا که در سخنرانی افتتاحیه کنفرانس جهانی تعلیم و تربیت در دهه ۱۹۶۰ به صراحت اعلام کرد که قدرت آموزش در ضعف آن است (گوتک، ۲۰۰۵). پائولو فریره با چالش گرفتن قدرت در نظام آموزشی به رهایی آموزش از نوع نظام سلطه و حاکمیت سلسله‌مراتبی تأکید داشت و بر این باور بود که هر قدر مداخله قدرتمندانه معلمان در یاددهی کمتر شود، مداخله قدرتمندانه دانش‌آموزان در یادگیری فزونی می‌یابد و این هنر مدیریت معلمان است که به شکل هوشمندانه نقش خود را در فرایند آموزش کم‌رنگ کنند تا دانش‌آموزان بتوانند نقش خود را در یادگیری پر رنگ کنند!

از نظر فریره، نقش دانش‌آموزان در مدیریت کلاس و نظارت و